گزارش

بررسی تجارب مشابه بین‌المللی در حوزه نظارت شورا بر شهرداری

شوراها و مدیریت‌های محلی در جهان

اگرچه سابقه حکومت‌های محلی و شهری در دوره دولت شهرهای اروپایی سده‌های میانه قرون وسطی و رنسانس شایان تامل است اما قدمت مدیریت محلی تقریبا با سابقه تمدن‌های کهن جهانی در ایران، یونان باستان و روم قرین است. بااین‌حال تولد مدیریت‌های محلی مردم‌سالار مدرن در جهان به نوعی با انقلاب صنعتی در سده هجدهم میلادی همزمان است؛ وقوع انقلاب صنعتی همراه با خود موج شهرنشینی را برای نخستین بار در طول تاریخ حیات بشری به ارمغان آورد و با غلبه زندگی شهری به زندگی روستایی دوران جدیدی از حاکمیت که برخی آن را به دوران حاکمیت شهرها تعبیر می‌کنند، آغاز شد و در نتیجه شیوه مدیریت شهری و محلی نیز در کنار سایر پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی تغییر یافته و دچار دگرگونی‌های بسیار شد. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته مدیریت شهری مستقل و منتخب مردمی بر شهرها حکومت دارد؛ به‌طوری‌که وظایف بسیار گسترده‌ای داشته و بر اساس نتایج انتخابات آنها سرنوشت سیاسی کشورها رقم زده می‌شود. در ادامه به تجربیات برخی از شهرهای دنیا در این حوزه اشاره شده هرچند گاه تفاوتی تجربیات به سمت مشارکت و نظارت مردمی و نحوه انتخاب شهردار بوده تا نظارت شوراها.

کنیهناک یکی از بزرگ‌ترین شهرهای دانمارک در جنوب شرقی این کشور است. این شهر شوراهای محلی متعددی دارد که نمایندگان و اعضای آنها با رای شهروندان و ساکنان محلی از طریق اینترنت انتخاب می‌شوند. این شوراهای محلی بودجه مصوب سالانه برای انجام فعالیت‌های مختلف عمرانی، خدماتی، اجتماعی و فرهنگی دارند و در اساسنامه برنامه اقدام با برنامه عملیاتی آنها در زمینه چگونگی اقدام برای رفع موانع محلی پیش اصل اساسی وجود دارد که عبارتند از: ارزیابی وضعیت موجود محله، تعیین اهداف سالانه توسعه محله، توسعه و تدوین برنامه‌های سالانه محلی، اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در حوزه مورد ماموریت و نظارت و ارزیابی میزان دستیابی به اهداف مدنظر. نهادهای محلی در این شهر موظفند تا ارتباط تنگاتنگ و دوسویه‌ای با شهروندان داشته باشند. تمامی برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌هایی که در سال آینده قرار بر عملیاتی‌شدن دارند، از طریق معرفی آنها از طریق کاتالوگ‌ها، وب‌سایت‌ها و بروشورها، امکان اخذ و اعمال نظرات و پیشنهادهای شهروندان را فراهم کرده است.

به دلیل اینکه بخش عمده اعتبارات فعالیت‌های خدماتی و عمرانی که توسط شهرداری یا نهادها شوراهای محلی در این شهر از طریق مالیات از خود شهروندان اخذ می‌شود، بنابراین پراکندگی پروژه‌های شهری تابعیتی از آن خواهد بود. به عبارتی میزان اخذ درآمد شوراهای محلی و شهرداری از محل مالیات‌ها و درآمدهای محلی مشخص است و نمی‌توان از آن برای اجرای پروژه‌های دیگر استفاده کرد.

شورای شهر در کانادا بیش از نیم‌قرن قدمت دارد. در این کشور شهردار توسط شورا انتخاب می‌شود. اما شهردار با وجود شورا دروظایف تنها نقش مجری توانا و قانومند را دارد و درواقع شورای شهر همه‌کاره است. برای هر شورا دو قانون مکمل وجود دارد، یکی به‌عنوان قانون پایه‌ای که توسط مجلس نمایندگان تعیین شده و دیگری قوانین محلی قابل تغییر است که هر ایالت بر اساس شرایط اجتماعی و جغرافیایی خود وضع می‌کند. ایالات متحده آمریکا مرکب از ۵۴ ایالت است که هر یک در امور داخلی خود مستقلند. دولت فدرال فقط در رابطه با مسائلی که مرتبط با قانون اساسی امنیت ملی و حفظ وحدت ایالات و اموری که در توانایی ایالات نیست، مسئولیت دارد. هر یک از ایالات آمریکا مجلس قانون‌گذاری خاص خود را دارد که با رای مستقیم شهروندان انتخاب می‌شوند و میزان تابعیت آنها از قوانین فدرال و قوانین ایالتی معین است. در نظام مدیریت محلی و شهری آمریکا شهردار نقش مهمی به زندگی روستایی دوران جدیدی از حاکمیت شهرها با توجه به سطح قدرت آنها تعیین می‌کنند. روی هم رفته مدیریت محلی در آمریکا را می‌توان در سه دسته‌بندی کرد: ۱ الگوی شهردار - شورای شهر - نوع شهردار که‌قدرت در این الگو شهردار قدرت و اختیار زیادی دارد و اداره امور شهر بر عهده کمیسیون‌ها و هیئت‌هایی است که اعضای آنها را منتخب مردم هستند یا اینکه شورای شهر آنها را انتخاب کرده است. در این الگو شهردار باید تمامی انتصابات کارکنان شهرداری را با تائید و تصویب اعضای شورای شهر انجام دهد. شورا نیز باید بودجه سالانه وام و اعضای شورای شهر هم رقبه دوسویم اراي خود وتوی شهردار را بالاتر کشد. با وجود قدرت شهردار، شورا حق نظارت بر جریان امور را برای خود حفظ کرده است. الگوی دوم الگوی اداره کل است که در آن مقطع رای حل مسئله است که خودشان انتخاب کرده‌اند و خودشان را از شایسته‌تر از دیگران دیده‌اند. امیدوار هستم در صحن مجلس راجع به این موضوع بررسی بیشتر صورت گیرد و ایرن بدیده را به عنوان بخشی از مردم‌سالاری و دخالت مردم در تعیین سرنوشت‌شان تلقی کنند و اجازه بدهند مردم در این امر مشارکت داشته باشند تا هم شهرداران از پشتوانه قوی مردمی برخوردار باشند و هم آن شهردار با شناختی که از خواسته‌های مردم و خاستگاه مردم دارد، نقش آثربخش‌تری داشته باشد.

بارها مجلس به سمت تغییر قوانین برای انتخاب مستقیم شهردار توسط مردم رفت اما همیشه یکی از معترضان این حرکت، شورایی ها بودند. چون شورا معتقد بود یکی از مهم‌ترین حقوق شورا، انتخاب شهردار است که اگر این مسئولیت هم از شوراها گرفته شود، عملا شوراها را بی‌خاصیت می‌کند... این چالش همیشه وجود داشت و به همین دلیل هم به سرانجامی نرسید...

به هر شکل ما باید قبول کنیم که مدیریت و اداره شهرها بخش بزرگی از وظایف حاکمیتی است و بخش اعظمی از سنجیش مردم از عملکرد حاکمیت به موضوعاتی مثل رفت و روب و جاروکردن و تمیزکردن خیابان و فضای سبز و خیابان و... برمی‌گردد. مردم شاید در خیلی از موضوعات مستقیما ورود نداشته باشند یا مستقیم وارد چالش‌های آن نشوند، هرچند پیامدهای آن را در بلندمدت می‌بینند. در مورد شهرها، صبح به صبح که مردم از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند، می‌توانند ارزیابی کنند و عملکرد شهردار را در آن شهر ممیزی کنند و بخش اعظمی از رضایت و عدم رضایت مردم به آنچه در شهر دارد اتفاق می‌افتد، برمی‌گردد. به نظر من حل دارد مجلس شورای اسلامی هرچه سریعتر به این موضوع ورود پیدا کند و اجازه ندهیم این موضوع همچنان به عنوان یک چالش قدیمی باقی بماند. اما اینکه گفته شده مهم‌ترین وظیفه شورای شهر انتخاب شهردار است، این مربوط به یکی دو روز اول کار شورا می‌شود. پس چهار سال دیگر را شورا قرار است چه کار کند؟ اگر منظور این است که مهم‌ترین ماموریت شهرداری و شورای شهر همین دو روز است که تعیین غیرمنطقی است، متاسفانه باید بگویم وقتی اعضای شورا در این دو روز تصمیم گرفتند، چهار سال باید با آن تصمیم مدارا کنند، درحالی که اگر ما این انتخاب را بر عهده مردم بگذاریم، خواهیم دید که شوراهای شهر وظایف و موضوعات برزمین‌مانده زیادی دارند. یک بخش از آن حوزه‌های قانون‌گذاری و بخش دیگر آن حوزه‌های نظارتی است. در حال حاضر یکی از مشکلات‌مان این است که در حوزه‌های نظارتی در برخی مسائل آن نقش لازم را انجام نداده‌ایم و نمی‌توانیم آن را انجام دهیم. بخشی از آن به تعارفات و بخشی به روابط می‌گردد. این منطقی نیست؛ درحالی که اگر شهردار منتخب مردم باشد، در مقابل همه مردم شهر مسئول است و بعد شورا هم به وظیفه قانونی خودش که نظارت است، به طور دقیق ورود خواهد کرد.

ضمن اینکه حوزه نفوذ شورای شهر فقط در حد شهرداری است و از قضا بایستی یکی از مطالبات‌مان از مجلس شورای اسلامی این باشد که حوزه نفوذ شورای اسلامی شهر را به همه ارکان شهر تسری بدهند و شوراهای اسلامی به‌عنوان ساست‌گذاران شهر عمل کنند نه به عنوان سیاست‌گذاران شهرداری. در آن صورت است که اعضای شورای شهر از این بابت که شهردار فعلی تهران انتخاب شده، در بین سه گزینه‌ای که رقیب بودند، یک نفر ۱ رای، یک نفر هشت رای و یک نفر سه رأی آورد، پس معلوم می‌شود که در آن جلسات غیررسمی اعضا کاملا در انتخاب مخیر بودند و حتی در روزی هم که در صحن علنی بنا به توصیه برخی از دوستان گفته شد که همه به شهردار رای بدهند، باز هم سه نفر قطبی نکردند و گفتند نه، چون شهردار منتخب مردم است و بعد شورا هم به وظیفه قانونی خودش که نظارت است، به طور دقیق ورود خواهد کرد.

آقای حق‌شناس! در همین بحث زیست شبانه، مردم یک شوخی دارند که می‌گویند مگر حالا تهران کلوپ‌های شبانه دارد که این‌قدر نگران شب‌بیداری شهر آن هستید...

یک کاری که می‌خواست بکند اینکه اجازه بدهد مثلا رستوران‌ها و کافه‌ها و فضای عمومی شهری که به هر حال در روز محل حضور است زمان بیشتری باز باشد.

ما تجربه‌اش را در ماه رمضان هم داریم. هیچ اتفاق ناگواری هم نمی‌افتد...

چرا اصلا باز نکنیم؟ به‌جای اینکه ما به ماه رمضان و صفر محدود کنیم؟ زمانی که شما می‌توانید این فضای عمومی را همیشه داشته باشید به طور مثال صاحب رستوران یا کافه می‌تواند به جای یک شیفت کار، دو شیفت کار کند... خب طبیعتا تعداد بیشتری می‌تواند اشتغال ایجاد کند. امروز به خاطر کوچک‌شدن فاصله‌ها و محدودیتی که وجود دارد، امکان اینکه شما بتوانید در یک آپارتمان ۵۰، ۴۰ متری میهمانی برگزار کنید و وقت بگذرانید، واقعا گرفته شده است. یا آن خانه‌های بزرگ قدیمی ۲۰، ۱۰ اتاقه با حیاط‌های مرکزی که دیگر در شهر وجود ندارد که مثلا خانواده‌ها وقتی می‌خواستند دور هم جمع بشوند، به خانه مادربزرگ‌شان بروند و نوه‌ها همه دور هم جمع شوند. چنین امکانی که دیگر در شهر موجود نیست. عوض شده است. همان خانه قدیمی امروز تبدیل به یک برج شده که مثلا در آن به جای ۱۰ تا اتاق، ۱۰۰ تا آپارتمان ۵۰، ۶۰ متری ساخته شده است. خب این امکان را هم که شما ندارید. حتی اگر فامیل بخواهند دور هم جمع شوند به یک فضای عمومی مثل کافه‌ها و رستوران می‌روند.

اینکه این فضاها باید ساعت ۱۱ شب تعطیل شود. هیچ دلیل و منطقی پشت آن نیست. حتی برای چه؟ یکی می‌خواهد جهار صبح به کافه برود و صبحانه‌اش را ساعت پنج صبح بخورد. ما چرا نباید با این مدل و با این خواسته همراهی نکنیم؟ ضمن می‌خواهم بگویم ما به جای اینکه یک فهم دقیق از نیازهای شهر و شهروندان داشته باشیم، اینکه خودمان را موظف می‌دانیم که به عنوان نماینده پارلمان شهری بیکر شهروندای شهروندان و خواسته‌های آنها را طرح تسهیل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرایی‌شدن باشیم، فقط متاءتاسفانه شیمی و چوب لای چرخ روند بگذاریم و سرک بکشیم و در حوزه‌های خصوصی شهروندان مداخله کنیم. این هنر است؟ این کسرت‌ها مگر بدون مجوز وزارت ارشاد بودهاند. مگر همین خوانندهها و گروه‌های موسیقایی در رادیو و تلویزیون مجاز نیستند؟ چه اشکالی دارد که ۱۰۰ تا، ۲۰۰ تا یا ۹۰۰ تا آدم کنار هم بنشینند و نقاره بنوازند و گروه موسیقایی بخوانند و لذت ببرند؟ چرا باید از شادی و لذت مردم بترسیم؟ چرا باید نگران شادبودن مردم باشیم؟

الان می‌گویند ما به یک الگوی نشاط اجتماعی رسیده‌ایم و آن هم الگوی نشاط براساس ارزش‌هاست. بعضی از اعضای شورا هم این را بکار گاه سلیقه‌ای می‌دانستند. به نظر شما می‌شود اساسا این را به عنوان یک الگوی نشاط اجتماعی که موردستند هم اقشار مردم تهران است، بپذیریم؟

من می‌خواهم بگویم این هم یک الگو می‌تواند باشد. هیچ اشکالی ندارید. ما در این شهر ۱۰ میلیون آدم داریم. این ۱۰ میلیون که همگی یک سلیقه ندارند. یک عده می‌توانند بیایند در فضای کنسرتی که مثلا آقای عصار می‌گذارد شادی کنند. یکی هم عضلات‌سازی دوست دارد برای اعتدای جسم خاص محمود کریمی یا مداحان دیگر بنشیند و شادی کند. این دو تا الگو همزمان می‌توانند وجود داشته باشند بدون اینکه مزاحمتی برای همدیگر ایجاد کنند.

من می‌خواهم بگویم که اگر ما به تکثر باور داشته باشیم، می‌توانم هر گروهی با هر رویکردی سلایقش موردتوجه و اهتمام قرار بگیرد و در عین حال نخواهد به سلیقه خودش را بر سلیقه دیگری حاکم کند. در یک خانه ممکن است دو فرزند دو رویکرد متفاوت داشته باشند. آنها هم آزاد هستند بودن اینکه مزاحمتی برای همدیگر ایجاد کنند. اگر پدر و مادر خانه دقیق رفتار کنند، هیچ تنشی هم ایجاد نمی‌شود و هیچ مشکلی هم در آن خانه ایجاد نمی‌شود و تفاهم هم وجود دارد. مشترکاتشان هم سر جایشان می‌ماند. این طبعا می‌تواند از محیط خانه بیرون بیاید و در محله، در شهر و در کشور هم تسری پیدا کند. هیچ اشکالی ندارد که گروهی جشن‌های ملی مانند چهارشنبه‌سوری، سیزده‌بدر، نوروز، مهرگان و دیگر جشن‌ها را دنبال کنند. مردم باید این اجازه را داشته باشند که در فضای خیابان سراغ جشن‌های خودشان بروند و یک گروه هم دوست دارند که این جشن‌ها را در عید غدیر و نیمه شعبان و... بگیرند. هیچ اشکالی ندارد. آن سر جای خودش است و این هم سر جای خودش. اما به هر حال

عکس: سعید کمی

جعفر تشکری‌هاشمی دلایل برتری روش انتخاب شهردار با رأی مردم را تشریح کرد

شورا، یک «گعده دوستانه» نیست

شرق: انتخاب شهردار تهران توسط شورای شهر همیشه بخش‌های پنهان و ناگفته‌های بسیار دارد. برخی معتقدند که انتخاب شهردار چندان به رای اعضای شورای شهر بستگی ندارد و شهردار تهران باید تابید خود را از نهادهای دیگر بگیرد. سید جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، این موضوع را رد می‌کند و می‌گوید شورا از هیچ نهادی برای انتخاب شهردار تحت فشار نبوده است. با وجود تاکید تشکری‌هاشمی، افکار عمومی از یاد نبرده که در روز انتخاب شهردار در صحن علنی شورا، مهدی چمران بدون اطلاع از بازبودن میکروفن صحن در گفت‌وگوی خصوصی با نرجس سلیمانی از تحت فشار بودن برای انتخاب شهردار گفته بود. به تازگی بعد از اعتراض مردمی به ساخت مسجدی دیرباک فیطریه و کارزار تغییر شهردار تهران، برخی از اعضای شورای شهر تهران پیشنهاد انتخاب شهردار با رای مردم را مطرح می‌کنند. هرچند بسیاری از شورایی‌ها مخالف «رفتن این حق انتخاب» از شوراها هستند. با جعفر تشکری‌هاشمی در این زمینه گفت‌وگو کرده‌ایم که در روز انتخاب شهردار در صحن سرانجامی نرسید...

به هر شکل ما باید قبول کنیم که مدیریت و اداره شهرها بخش بزرگی از وظایف حاکمیتی است و بخش اعظمی از سنجیش مردم از عملکرد حاکمیت به موضوعاتی مثل رفت و روب و جاروکردن و تمیزکردن خیابان و فضای سبز و خیابان و... برمی‌گردد. مردم شاید در خیلی از موضوعات مستقیما ورود نداشته باشند یا مستقیم وارد چالش‌های آن نشوند، هرچند پیامدهای آن را در بلندمدت می‌بینند. در مورد شهرها، صبح به صبح که مردم از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند، می‌توانند ارزیابی کنند و عملکرد شهردار را در آن شهر ممیزی کنند و بخش اعظمی از رضایت و عدم رضایت مردم به آنچه در شهر دارد اتفاق می‌افتد، برمی‌گردد. به نظر من حل دارد مجلس شورای اسلامی هرچه سریعتر به این موضوع ورود پیدا کند و اجازه ندهیم این موضوع همچنان به عنوان یک چالش قدیمی باقی بماند. اما اینکه گفته شده مهم‌ترین وظیفه شورای شهر انتخاب شهردار است، این مربوط به یکی دو روز اول کار شورا می‌شود. پس چهار سال دیگر را شورا قرار است چه کار کند؟ اگر منظور این است که مهم‌ترین ماموریت شهرداری و شورای شهر همین دو روز است که تعبیری غیرمنطقی است، متاسفانه باید بگویم وقتی اعضای شورا در این دو روز تصمیم گرفتند، چهار سال باید با آن تصمیم مدارا کنند، درحالی که اگر ما این انتخاب را بر عهده مردم بگذاریم، خواهیم دید که شوراهای شهر وظایف و موضوعات برزمین‌مانده زیادی دارند. یک بخش از آن حوزه‌های قانون‌گذاری و بخش دیگر آن حوزه‌های نظارتی است. در حال حاضر یکی از مشکلات‌مان این است که در حوزه‌های نظارتی در برخی مسائل آن نقش لازم را انجام نداده‌ایم و نمی‌توانیم آن را انجام دهیم. بخشی از آن به تعارفات و بخشی به روابط می‌گردد. این منطقی نیست؛ درحالی که اگر شهردار منتخب مردم باشد، در مقابل همه مردم شهر مسئول است و بعد شورا هم به وظیفه قانونی خودش که نظارت است، به طور دقیق ورود خواهد کرد.

ضمن اینکه حوزه نفوذ شورای شهر فقط در حد شهرداری است و از قضا بایستی یکی از مطالبات‌مان از مجلس شورای اسلامی این باشد که حوزه نفوذ شورای اسلامی شهر را به همه ارکان شهر تسری بدهند و شوراهای اسلامی به‌عنوان ساست‌گذاران شهر عمل کنند نه به عنوان سیاست‌گذاران شهرداری. در آن صورت است که اعضای شورای شهر از این بابت که شهردار فعلی تهران انتخاب شده، در بین سه گزینه‌ای که رقیب بودند، یک نفر ۱ رای، یک نفر هشت رای و یک نفر سه رأی آورد، پس معلوم می‌شود که در آن جلسات غیررسمی اعضا کاملا در انتخاب مخیر بودند و حتی در روزی هم که در صحن علنی بنا به توصیه برخی از دوستان گفته شد که همه به شهردار رای بدهند، باز هم سه نفر قطبی نکردند و گفتند نه، چون شهردار منتخب مردم است. ولی زمانی که شهردار انتخاب شد، همه خودمان را موظف دانستند که به این شهردار کمک کنیم و از او حمایت کنند تا بتواند به تحقق هدف‌هایی که در برنامه‌های ارائه‌شده به شورا مشخص شده بود کمک کنند. از اینجا به بعد دیگر عملکرد خود افراد است که جقدر می‌توانند این اعتماد و حمایت را برای خودشان حفظ کنند. اگر شما می‌بینید که ریش‌هایی این وسط اتفاق افتاد (و احتمالا باز هم این ریش‌ها تداوم داشته باشند) به دلیل قول‌ها، وعده و وعیدها و پاسخ‌گویی به مردم است که واقعا مهم‌ترین چالش پیش‌روی بسیاری از اعضاست. در هر صورت بنای ما بر این نیست که به دنبال مچ‌گیری از شهردار باشیم. همه تلاش‌مان را به کار گرفتیم تا از شهردار دستگیری کنیم برای اینکه بتواند خواسته‌های مردم را محقق کند. اما این شخص شهردار است که واکنش‌هایش در قبال این موضوع تعیین‌کننده خواهد بود و اگر شما امروز این موضوع را مطرح می‌کنید، این می‌تواند به شیوه عمل شهردار (چه در این دوره و چه در هر دوره دیگری) برگردد. برعکس آن را هم داشتیم در مقاطعی شهردار فقط با اختلاف یک رای انتخاب شد ولی به گونه‌ای عمل کرد که تمام اعضای شورا در کنارش بودند و او را -بدون اینکه چالشی وجود داشته باشد- در رسیدن به هدف‌هایش یاری کردند. بنابر این، بار حرفم را تکرار می‌کنم. شورا واقعا عزم جدی داشته و دارد که شهردار بتواند موفق شود، اما اگر جایی خطای محرزی صورت گیرد یا گوش شنوایی نباشد، طبیعی است که واکنش‌هایی را به دنبال داشته باشند و برخی از اعضا، حمایت‌هایشان از شهردار را کم کنند یا بردارند که البته امیدوارم این اتفاق به هر شکل نیفتد. البته نه به این مفهوم که جریانی و حزبی به مسئله نگاه کنیم و بگوییم حمایت‌مان را حفظ می‌کنیم به سبب اینکه متعلق به یک جریان سیاسی هستیم. ما یک گعده دوستانه نیستیم که در کنار هم بگوییم می‌خواهیم دوستی‌های‌مان حفظ شود. ما به عنوان نمایندگان مردم و به عنوان حافظان حقوق مردم اگر جایی حمایت می‌کنیم باید در راستای حمایت از تامین خواسته‌های مردم باشد و باید حمایت ما جنین رنگ و بویی داشته باشد. اگر جایی هم نقد می‌کنیم یا اعتراضی صورت می‌گیرد، باز در راستای حفظ حقوق شهروندان است. پس رنگ و بوی سیاسی دادن و طرح تمایلات حزبی و... بی‌منطق‌ترین اتفاق می‌تواند باشد، کما اینکه در قانون شوراها و همچنین در قانون اساسی وقتی راجع به شوراها صحبت می‌شود، شوراها را نهادهای مردمی غیرسیاسی معرفی می‌کنند و می‌گویند شوراها باید دغدغه مردم را داشته باشند. امیدوارم این اتفاق هم بیفتد و تداوم داشته باشد و مردم و شورا با همین دیدگاه مسائل خودشان را دنبال کنند.

خاطرم هست همان زمان شورا تلاش می‌کرد با همین نگاه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی را در شهر اجرائی کند؛ اما مقاومت‌هایی وجود داشت، دلیل آن چه بود؟

به نظر من روشن است. شورا خودش را منتخب مردم می‌داند و بر اساس نیازها و سلایق آنها تصمیم‌هایی می‌گرفت که نشان‌دهنده این بود که ما ملاحظاتی از انجام آن سر باز می‌زدند...

برخی از فعالیت‌ها مانند ایجاد راسته‌های فرهنگی و موزه‌های چهره‌های فرهنگی به اتمام رسیدند ولی هیچ یدی از شورای پنجم نشد. یا یکی از پیکری‌های ما نصب و ساختن تندیس‌های چهره‌های دینی و شاعران ملی ایران بود که داشت کش می‌کرد. بادم می‌آید یک پیشنهاد بود که چرا ما در تهران فقط باید مجسمه فردوسی را داشته باشیم که مربوط به قبل از انقلاب است چونکی اساسا شورا مشخص شده است که با یک وقفه ۲۰ ساله اول پس از پیروزی انقلاب در ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ به‌طور رسمی برای تحقق بخشی از حاکمیت مردم که عملی‌شدن آن در گرو فعالیت شورا بود، آغاز به کار کردند.

اکنون پس از گذشت چند سال از آغاز به کار شوراها به جایگاه واقعی خود نرسیده‌اند و آسیب‌شناسی عملکرد و به‌روزرسانی اصلاح قوانین و تجربه در کناه مدیران اجرایی کشور به این نهاد اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. بدون تردید نوع برخورد جامعه با بررسی مسائلی ازجمله مبانی و بسترهای قانونی و حقوقی، تحقق رفتارهای شورایی برای اعضای شورا به توجه به اینکه شوراها یک نهاد جمعی فرهنگی شهر می‌توانست باشد. قصد این بود که بتوانیم پهنه روی‌کرد را به تئاتر شهر متصل کنیم و با فعال‌شدن تالارهای نمایش خصوصی و تئاتر روتقی به تئاتر و به موسیقی به‌خصوص موسیقی‌های اقوام و نواحی و بومی بدهیم و حتی از درون تالار وحدت یا تئاتر شهر به فضای خیابان متنقل شود و شاهد تئاترهای خیابانی و موسیقی خیابانی شویم. اما متاسفانه این کار دیگر ادامه پیدا نکرد؛ یا تلاش شد که به بتوانیم بلوار کشاورز را به عنوان یکی از محورهای اصلی شریان‌های شهری برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری در نظر بگیریم. با کارناوال‌هایی برای نوروز و جشن‌های نوروز و جشن‌های ملی در آنجا با یکبرد و تبدیل به یکی از مراکز اصلی جلب مردم و مشارکت‌های مردم در شادی‌های اجتماعی و دسته‌جمعی شود. شاید تا حدودی بعضی‌هایی ادامه پیدا نکرد و بعضی‌هایش هم به مسیر دیگری رفت. این روند اگر موردتوجه قرار می‌گرفت، شاید امروز حال مردم بهتر بود.

به عنوان جمع‌بندی؛ وضعیت این دوره مدیریت شهری در حوزه فرهنگ و اجتماع را به چه صورت می‌بینید؟

من فکر می‌کنم امروز مشکل مدیریت شهری، عدم تبعیت مدیر شهری از حتی شورای خود است. تکروی‌های مدیریت شهری و بی‌توجهی به آرا و افکار عمومی مهم‌ترین معضل این دوره است.

تهرانسی مهم بوده اما جنسیت شهردار برای بیشتر پاسخ‌گویان مهم نبوده است. کمی بیش از نیمی از پاسخ‌گویان تهرانسی نمی‌دانستند شهردار تهران می‌باید یا نباید از بین اما کمی بیش از یک‌سوم از افراد مورد پرسش به مرد بودن شهردار تاکید دارند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش که حکایت از ضعف‌های شهرداری تهران دارد، این است که بسیاری از شهروندان نمی‌دانستند مرجع انجام خدمات شهردار کیست و علاوه بر آن نمی‌دانستند شهردار کنونی تهران چه کسی است، تنها دو پنجم از پاسخ‌گویان می‌دانستند که شهردار تهران را شورای شهر انتخاب می‌کند و حدود ۲۵ درصد می‌دانستند که شهردار وقت تهران کیست.

نا آگاهی شهروندان از مرجع انتخاب شهردار

۳۵ درصد می‌دانستند که شهردار تهران (در زمان نظرسنجی) آقای حناچی است. همین نکته نشان می‌دهد که خیلی از شهروندان به تغییر شهردار حساسیت نشان نمی‌دهند که البته این می‌تواند به دلیل ناآگاهی آنان از چگونگی انتخاب شهردار باشد. همچنین فقط ۱۵ درصد از پاسخ‌گویان می‌دانستند که شهردار تهران را شورای شهر انتخاب می‌کند.

زیست اجتماعی آنان در تهران نیست. از این‌رو می‌بینیم که اولویت دوم و سوم موضوع مهم از نظر شهروندان به ترتیب جمع‌آوری معتادان و کارتن‌خواب‌ها و رسیدگی بیشتر به مناطق و محله‌های محروم شهر است ولی در مورد صاحب‌نظران اولویت دوم و سوم به ترتیب فساد و رشوه‌خواری در شهرداری و شفاف‌سازی دخل و خرج‌ها و قراردادهای شهرداری مربوط می‌شود.

از بین ۱۲ موضوع اولویت آخر از نظر عموم شهروندان موضوع ساخت‌وسازهای غیرمجاز و از نظر صاحب‌نظران افزایش فضای سبز و بوستان‌هاست و بنز اولویت دهم و یازدهم در بین ۱۲ موضوع مهم تفاوت رسیدگی بین مناطق شمال و جنوب شهر است و افزایش آلایش تفریحی و فرهنگی برای مردم و در نظر صاحب‌نظران افزایش تفریحی و فرهنگی و جمع‌آوری معتادان و کارتن‌خواب‌ها می‌شود.

نوع نگاه عموم مردم و صاحب‌نظران به مسائل شهری در تهران که حکایت از میزان اهمیت بالای مسائل نزد آنان دارد، به شهردار تهران نیز معطوف می‌شود. آنان خواهان شهرداری هستند که بتواند این مسائل را مدیریت کند. برای همین است که تهرانی‌ها از بین ۹ ویژگی مطرح‌شده برای شهرداری تهران فقط با ویژگی چهره سیاسی بودن شهردار بیشترین مخالفت را داشتند.

۶۴.۵ درصد از عموم مردم و ۶۰.۵ درصد از از صاحب‌نظران با چهره سیاسی بودن شهردار تهران مخالف بودند. قانونمند، جوان، پاکدست و خوشنام بودن و خودرای نبودن سایر ویژگی‌هایی است که برای شهروندان

خاطرم هست در همین حوزه زیست شبانه شورا مدت‌ها تلاش کرد مصوبه‌ای داشته باشد اما به سرانجام مطلوب خود نرسید...

بحث «زیست شبانه» مطرح شد که حالا متاسفانه بعضی‌ها از آن برداشت ناصواب و نادرستی دارند و در ذهن منفی‌باف خودشان آن را مساوی با

تلاش‌های دوره پنجم در حوزه فرهنگی و اجتماعی را که مرور کنیم متوجه می‌شویم یک‌سری از این تلاش‌ها به نتیجه نرسید و برخی در این دوره متوقف شد و برخی هم حذف شد. در آن دوره تلاش شد راسته‌های فرهنگی و هنری گسترش پیدا کند، هویت فرهنگی لاله‌زار را حیا شود، نام‌هایی بر معابر گذاشته شد که قبل از آن ممنوعه بودند و...

شورای پنجم برآمده از یک فضای اجتماعی و سیاسی در دوره خاص بود. ما شاهد بودیم بعد از هشت سال سختی که بر مردم در دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد گذشت و دیده‌هایی که ناشی از نوعی اقتدارگرایی و حذف جریان‌های رقیبی بود که با این گذاه همسویی و همراهی نداشتند و عملا می‌شود گفت کشور در وقوف خطرناکی قرار گرفته بود. به بیان دیگر، چهارساله سخت، ما شاهد کشایشی شدیم که در ۹۲ و به تبع آن در سال ۹۶ صورت گرفت و بازگشت شکوهمند مردم به صحنه مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی شکل رخ داد.

شما نتیجه انتخابات را در سال ۹۶ در تهران حتما به یاد دارید. هم در انتخابات مجلس و هم در انتخابات شورا نیست کاملی از جریانی به عنوان اصلاح‌طلب یا به هر حال به‌نوعی خواهان تغییر وضع موجود بودند، با رای مردم در جایگاه مدیریت شهری و در پارلمان شهری انتخاب شدند. در مجلس در تهران و شهرهای بزرگ هم این اتفاق افتاده بود. ما شاهد بودیم مردم صحنه بازی را به نفع خودشان تغییر دادند.

این تغییر این حرکت مردم و این تصمیم بزرگ مستلزم این بود که منتخبان مردم هم با خواست آنها همراه شوند و به نیاز آنها توجه کنند و خودشان پیگیر و دنبال‌کننده اراده آنها و خواست آنها در زندگی شهری و فضای عمومی شهر باشند. من حتی یادم است این را با همکارانم در شورا در میان گذاشتم که فضای مدیریت شهری چه جریان اصلاح‌طلب یا اصولگرا حاکم باشد، ما خیلی تفاوتی در پیگیری مسائل مربوط به حمل‌ونقل، ترافیک، ساختوساز و... نمی‌توانیم مشاهده کنیم. طبیعتا هر تلاشی که در آن مقطع برای حل مسئله ترافیک صورت می‌گیرد، می‌تواند توسط این جریان هم دنبال شود. آنجا که تفاوت وقتی به وجود می‌آید در حوزه مسائلی فرهنگی و اجتماعی بود که باید برای آن کار شورا و خاستگاه‌ها وقت و توجه گذاشته می‌شد که بتواند به آن سمت به نتیجه برسد.

ما در این بخش با محدورات و شاید گاهی اوقات مقاومت‌های جدی در فضای بیرون از مجموعه مدیریت شهری روبه‌رو بودیم که بسیار پرقدرت بودند و اجازه هر نوع تصمیم‌سازی و تغییر را به راحتی نمی‌دادند و اثرات خودش را روی تصمیم‌گیری‌های مهم شورای شهر داشت و هم اگر مصوبه‌ای در شورا می‌توانست با گذشتن از مراحل سخت به نتیجه برسد و رأی بیاورد، در مرحله بالاتر با اعتراض افرادی روبه‌رو شد و نهایتا تصمیمی حل اختلاف متوقف می‌شد و اگر از اتحاد هم می‌گذشت، می‌دیدیم که در حوزه اجرائی، آن کار به راحتی در پیچ و خم فضای اجرائی مدیریت شهری به نتیجه نمی‌رسید و متوقف می‌شد. شاید من بتوانم به موارد عدیده‌ای اشاره کنم که ما با این مشکلات روبه‌رو بودیم.

خاطرم هست در همین زیست شبانه شورا مدت‌ها تلاش کرد مصوبه‌ای داشته باشد اما به سرانجام مطلوب خود نرسید...

بحث «زیست شبانه» مطرح شد که حالا متاسفانه بعضی‌ها از آن برداشت ناصواب و نادرستی دارند و در ذهن منفی‌باف خودشان آن را مساوی با

عکس: علی فاروق، شرق

شرق: هفته گذشته معاون فرهنگی و اجتماعی شهردار تهران از رسیدن به الگوی نشاط اجتماعی براساس ارزش‌های جبهه انقلاب سخن گفته و نقدی هم به سیاست‌های دوره گذشته مدیریت شهری کرده و از زیست شبانه و برگزاری کنسرت‌های آنلاین به عنوان مصادیق ناسامانی وضعیت فرهنگی شهر سخن گفته بود. از ابتدای این دوره مدیریت شهری تلاش شد بسیاری از فعالیت‌های حوزه فرهنگی دوره گذشته متوقف شود یا تغییر بنیادین کند. از تغییر سیاست‌گذاری نام‌گذاری معابر شهر تا برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی جمعی. با محمدجواد حق‌شناس رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای پنجم شهر تهران در این رابطه گفت‌وگو کرده‌ایم. هرچند اگر تذکرات و نقطه‌ای او را در شورای پنجم مرور کنیم، چندان از عملکرد فرهنگی و اجتماعی آن دوره هم راضی نبود و آن را منطبق بر سیاست‌گذاری‌های شورای شهر نمی‌داند.

محمدجواد حق‌شناس از سیاست‌های فرهنگی و هنری مدیریت شهری پ